

ویژه نامه روزنامه **خراسان**
به مناسبت سخنرانی نوروزی رهبر انقلاب در حرم رضوی

دیدار یار

سه شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۷
Tue.Mar.19.2019

وعده دیدار ساعت ۱۵ پنجشنبه حرم مطهر رضوی

مراسم سخنرانی رهبر معظم انقلاب در اولین روز سال جدید، ساعت ۱۵ پنجشنبه اول فروردین ماه در حرم مطهر رضوی آغاز می شود. بر اساس اعلام آستان قدس رضوی، برای بهره مندی عموم زائران از بیانات مقام معظم رهبری، تمام صحن ها و رواق های حرم مطهر رضوی تحت پوشش صوتی و تصویری این برنامه قرار می گیرد. همچنین بخش مستقیم و ترجمه همزمان سخنرانی مقام معظم رهبری به چهار زبان عربی، اردو، انگلیسی و آذری در تالار قدس کتابخانه مرکزی از برنامه های محوری این مراسم است.

● برنامه سال تحویل در حرم مطهر رضوی

مراسم آغاز سال نو در حرم مطهر رضوی نیز ساعت ۲۰ فردا شب خواهد بود. طبق برنامه ریزی، برنامه های سال تحویل ساعت ۲۰ چهارشنبه ۲۸ اسفند با محوریت صحن جامع رضوی آغاز خواهد شد، در این مراسم تولیت آستان قدس رضوی و حجت الاسلام والمسلمین قرائتی به ایراد سخنرانی خواهند پرداخت و سید مهدی میر داماد، مهدی سماواتی و سعید حدادیان به مدیحه سرایی و قرائت زیارت توسل و امین... می پردازند. بخش کلیپ، اجرای تواشیح و شعر خوانی، اجرای نمایش آیینی، هم خوانی دعای تحویل سال و برگزاری مسابقه فرهنگی از دیگر برنامه های این مراسم است. در کنار برنامه های متنوع فرهنگی ایام نوروز و ماه رجب، در این ایام هر شب ساعت ۲۱ محفل باشکوه قرآنی نیز در رواق امام خمینی (ره) برگزار می شود.

بهار من بود آن که که یار می آید...

نرم نرنگ می رسد اینک بهار

فریدون مشیری

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه های شسته، باران خورده، پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگ های سبز بید
عطر نرگس، رقص باد
نغمه و بانگ پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه ها و دشت ها
خوش به حال دانه ها و سبزه ها
خوش به حال غنچه های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می خندد
به ناز
خوش به حال جان لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من، گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی پوشی به کام
باده رنگین نمی نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می باید تهی است
ای دروغ از «تو» اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دروغ از «من» اگر مستم نسازد آفتاب
ای دروغ از «ما» اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش می شود هفتاد رنگ

که گل شکفته تو بانگ خرام می آید

هوشنگ ابتهاج (سایه)

بیا که بار دگر گل به بار می آید
بیار باده که بوی بهار می آید
هزار غم ز تو دارم به دل، بیا ای گل
که گل شکفته و بانگ هزار می آید
طرب میانه ی خوش نیست با منش چه کنم
خوشا غم تو که با ما کنار می آید
نه من ز داغ تو ای گل به خون نشستم و بس
که لاله هم به چمن داغدار می آید
دل چو غنچه ی من شکفتد به بوی بهار
بهار من بود آن گه که یار می آید
نسیم زلف تو تا نگردد به گلشن دل
کجا نهال امیدم به بار می آید
بدین امید شد اشکم روان ز چشمه ی چشم
که سرو من به لب جویبار می آید
مگر ز پییک پرستو پیام او پرسم
وگر نه کیست که از آن دیار می آید
دلم به باده و گل و انمی شود، چه کنم
که بی تو باده و گل ناگوار می آید
بهار سایه تویی ای بنفشه مو باز آی
که گل به دیده ی من بی تو خار می آید

ای گل تازه مبارک به تو این تازه بهار

رهی معیری

نوبهار آمد و گل سرزده، چون عارض یار
ای گل تازه، مبارک به تو این تازه بهار
با نگاری چو گل تازه، روان شو به چمن
که چمن شد ز گل تازه، چو رخسار نگار
لاله وش باده به گلزار بزن با دلبر
کز گل و لاله بود چون رخ دلبر گلزار
زلف سنبل، شده از باد بهاری درهم
چشم نرگس، شده از خواب زمستان بیدار

خوش باش و کمزودی که امروز خوش است

خیام نیشابوری

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
بر طرف چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه بگوئی خوش نیست
خوش باش و مگو ز دی که امروز خوش است

ایرش و سرود باران را در فضای بهار جاری کن

غلامرضا شکوهی

پا به پای ستاره ها بنشین، دست در دست آسمان بگذار
گاه گاهی هوایی خود باش، خاک را بهر خاکیان بگذار
دست بر طاق آسمان برسان، پنجه را در هلال ماه ببیج
گاه بر سینه گذشته خویش، تیر غیبی در این کمان بگذار
مثل فریاد رعد در دل کوه، صخره های ستبر را بشکن
آشنا با تبار توفان باش، باده را به این و آن بگذار
ایرش و سرود باران را در فضای بهار جاری کن
گریه را جمع در نگاهت کن، خنده در ضرب ناودان بگذار
می رود ساعت از برابر ما، خسته از لحظه های اندوهیم
ایستگاهی برای یک لبخند، در سراسیمه ی زمان بگذار
در هجوم تفکری مسموم، یک دلبخند قسمت ما بود
تا گل خنده را هرس نکنند، روی لب های خود نشان بگذار
همه رنگ ها عوض شده اند، تویی در اتاق بی رنگی
سفره ای ساده نذر مهمان کن، عشق را هم به جای نان بگذار

وقت بهارست خیر تا به تماشای تویم

سعدی

باد بهاری وزید، از طرف مرغزار
باز به گردون رسید، ناله هر مرغ زار
سرو شد افراخته، کار چمن ساخته
نعره زنان فاخته، بر سر بید و چنار
گل به چمن در برست، ماه مگر یا خورست
سرو به رقص اندرست، بر طرف جویبار
شاخ که با میوه هاست، سنگ به پا می خورد
بید مگر فارغست، از ستم نایکار
شیوه نرگس ببین، زرد بنفشه نشین
سوسن رعنا گزین، زرد شقایق ببار
خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع
ناله موزون مرغ، بوی خوش لاله زار
هر گل و برگی که هست، یاد خدا می کند
بلبل و قمری چه خواند، یاد خداوند گار
برگ درختان سبز، پیش خداوند هوش
هر ورقش دفترست، معرفت کردگار
وقت بهارست خیز، تا به تماشا رویم
تکیه بر ایام نیست، تا دگر آید بهار
بلبل دستان بخوان، مرغ خوش الحان بدان
طوطی شکر فشان، نقل به مجلس بیار
بر طرف کوه و دشت، روز طوافست و گشت
وقت بهاران گذشت، گفته سعدی بیار